

مسائل جمعیتی در ایران

♦ دکتر محمد ترکاشوند مرادآبادی
عضو هیئت علمی جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد



غیررسمی خانواده و جامعه ارائه می‌شد و سن یکی از عوامل قشربندی اجتماعی محسوب می‌شد، اما امروزه این‌گونه توافقات و ارائه حمایت‌های موردنیاز سالمندان تقریباً در همه‌جا رو به تضعیف است و سن و سال به‌عنوان یک امتیاز اجتماعی ارزش و اهمیت خود را از دست داده است. به جرأت می‌توان گفت چتر حمایتی خانواده از سالمندان، رو به کاهش است، لذا ایجاد و تقویت مؤسسات غیردولتی، انجمن‌های عمومی، خیریه و غیره در زمینه حمایت از سالخورده‌گان ضروری به نظر می‌رسد و البته مهم‌تر از ایجاد این مؤسسات، آماده‌سازی فرهنگی برای پذیرش این مؤسسات است؛ چراکه در جامعه ارزشی ایران حمایت‌های غیر خانوادگی از سالمندان تا حدی هم از طرف سایرین و هم از طرف خود سالمندان مورد سرزنش است.

در اکثر جوامع پیشرفته امروزی حمایت از سالمندان توسط مراقبت‌های بهداشتی دولتی و سازمان‌های بازنشستگی خصوصی ارائه می‌گردد. این برنامه‌ها در کم کردن و از بین بردن شکاف موجود در درآمدها و منابع، بین سالمندان و جمعیت واقع در سنین

در سیاست‌گذاری کلان ملی، تعداد سالمندان در واقع بیان‌کننده تعداد تخت‌های بیمارستانی موردنیاز در آینده، تعداد افراد متخصص طب سالمندان، کمک‌های بهداشتی و تعداد خانه‌های سالمندی موردنیاز برای آینده است. نسبت سالمندان در یک جمعیت بیان‌کننده تعداد افراد موردنیاز در سنین کار و فعالیت برای ارائه حمایت‌های مالی به اشخاص سالمند و تعداد مددکاران و افراد متخصص طب سالمندی و پرسنل موردنیاز برای آموزش و فعالیت در خانه‌های سالمندی می‌باشد.

مهم‌ترین نتیجه طرح پژوهشی «بررسی روند سالمندی جمعیت در ایران و پیشنهادات سیاست‌گذاری»، این است که به دلیل تغییرات سریع انجام شده در باروری و مرگ‌ومیر کشور، سرعت تغییرات ساختار سنی در آینده قطعی است. در واقع ویژگی‌های جمعیتی کشور در طی زمان به‌سرعت تغییر خواهند کرد و طی ده سال نیازهای سیاست‌گذاری با توجه به جمعیت دگرگون می‌شود. عامل اصلی این تغییرات افزایش سریع باروری در دهه شصت و کاهش سریع‌تر آن در دو دهه بعدی است که باعث ایجاد یک تورم در هرم جمعیتی کشور شده است. هر چه طی زمان پیش می‌رویم و جمعیت دهه شصت به سنین بالاتر می‌رسند، نیازهای مرتبط با آن سن نیز در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور پررنگ می‌شود. با ورود این جمعیت بزرگ در سال‌های ۱۴۳۰ به بعد به سنین سالمندی، تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد یافت و لذا نیازهای مرتبط با افراد سالمند در آینده بیشتر خواهد شد. سرعت وقوع این تغییرات این ضرورت را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت مستمر تغییرات جمعیتی را رصد نموده و با نگاه ویژه به افزایش جمعیت سالمند در کشور، آمادگی لازم را برای رسیدن به این دوره ایجاد نمایند.

در کنار تغییرات جمعیتی منجر به افزایش تعداد جمعیت سالمند در کشور، سایر تغییرات اقتصادی و اجتماعی نیز در ورود به دوره سالمندی اهمیت دارد. جهت روشن شدن مطلب باید اشاره شود که در گذشته حمایت از سالمندان معمولاً از طریق توافقات

کار موفقیت‌آمیز بوده و میزان فقر در میان سالمندان را به‌طور اساسی کاهش داده است. به هر حال این هزینه‌ها که توسط سازمان‌های بازنشستگی به افراد مسن پرداخت می‌شود در واقع انتقال منابع مالی از جوان‌ترها به نسل‌های مسن‌تر است که به‌مرور زمان می‌تواند سنگین‌تر و مشکل‌ساز شود؛ یعنی وقتی که میزان پرداخت‌های بازنشستگی به‌تدریج افزایش می‌یابد، این برنامه‌های حمایتی آسیب‌پذیر خواهند شد. صندوق بین‌المللی پول در مطالعه‌ای نشان داده است که عدم توجه به این فشارهای مالی در سیستم‌های بازنشستگی می‌تواند باعث ایجاد مشکل گردد.

اساساً در برنامه‌ریزی‌ها تعداد سالمندان و نسبت سالمندان هر دو در کل جمعیت باید مورد توجه قرار گیرند. در سیاست‌گذاری‌های کلان ملی، تعداد سالمندان در واقع بیان‌کننده تعداد تخت‌های بیمارستانی موردنیاز در آینده، تعداد افراد متخصص طب سالمندان، کمک‌های بهداشتی و تعداد خانه‌های سالمندی موردنیاز برای آینده است. نسبت

بهره‌برداری از فاز پنجره جمعیتی است که حتی سالمندی سالم، فعال و موفقیت‌آمیز را تضمین خواهد کرد. اگر سیاست‌های مناسب و مؤثر اتخاذ نشود، نه‌تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه آن فرصت منجر به تهدید و چالش‌هایی خواهد شد و سود بالقوه جمعیتی به‌آسانی به بار جمعیتی تبدیل شده و حتی دوره سالخوردگی جمعیت مسئله‌داری را نیز در پیش خواهیم داشت.

به این ترتیب، چالش‌های جمعیتی حال حاضر و آینده ایران، بستگی زیادی به نحوه بهره‌برداری از فرصت پنجره جمعیتی دارد. بهره‌برداری از فرصت پنجره جمعیتی و تبدیل آن به فرصت اقتصادی و اجتماعی مستلزم توانمندی و مقتدرسازی جوانان برای توسعه اقتصادی، گسترش فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری مطلوب، بهبود کیفیت سرمایه انسانی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای حضور زنان در بازار کار است. در این میان، مهم‌ترین بستر تبدیل پنجره جمعیتی به توسعه، گسترش فرصت‌های شغلی بویژه برای جوانان تحصیل‌کرده در کشور است. بنا بر نتیجه گرفته شده به صورت ویژه می‌توان پیشنهادات سیاستی زیر را در راستای

دستمزدی چه غیر دستمزدی داشته باشند. ناگفته نماند که پنجره جمعیتی صرفاً یک پتانسیل و فرصت بالقوه است و بالفعل شدن آن نیازمند فراهم شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ایران کنونی در یک فرصت زمانی طلایی و استثنایی برای رشد و توسعه اقتصادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌طور اتوماتیک عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن نیازمند بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاستی و نهادی است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره‌ای که پنجره جمعیتی باز است حساس، لازم و در صورت موفقیت، مؤثر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نقش مهمی در مدیریت و مهندسی اقتصادی و اجتماعی پنجره جمعیتی ایفاء می‌کند.

در حال حاضر توجه و نگرانی اصلی مدیران و سیاست‌گذاران کشور بیشتر به رشد جمعیت و فاز سالخوردگی جمعیت است. این موضوع موجب شده است تا منافع و فرصت‌های طلایی فاز پنجره جمعیتی نادیده گرفته شود، درحالی که کشور در وضعیت پنجره جمعیتی است و باید به فکر استفاده هرچه بیشتر از این فرصت طلایی بود. سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای اشتغال جوانان و

سالمندان در یک جمعیت بیان‌کننده تعداد افراد موردنیاز در سنین کار و فعالیت برای ارائه حمایت‌های مالی به اشخاص سالمند و تعداد مددکاران و افراد متخصص طب سالمندی و پرسنل موردنیاز برای آموزش و فعالیت در خانه‌های سالمندی می‌باشد. در حوزه سلامت اگر عوامل خطر ساز محیطی و فردی، بیماری‌های مزمن و کاهش‌دهنده عملکرد در حد پایین نگه داشته شوند و از سویی عوامل حمایت‌کننده از سالمندان بالا نگه داشته شوند، افراد از زندگی طولانی‌تر و با کیفیت بالاتر لذت خواهند برد. آن‌ها در سلامتی به سر خواهند برد و می‌توانند زندگی‌شان را همچنان که مسن‌تر می‌شوند کنترل کنند. در نتیجه تعداد کمتری از سالمندان به مراقبت‌های پزشکی و خدمات هزینه‌بر نیاز خواهند داشت.

در حوزه نیروی کار و مشارکت نیز اگر بازار کار، استخدام، آموزش، برنامه‌ها و سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی از مشارکت کامل سالمندان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌برد و بر اساس حقوق اولیه انسانی آن‌ها، از توانایی‌ها و نیازها و ترجیحات آن‌ها حمایت کنند، آن‌ها می‌توانند سهم بزرگی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، چه



موفقیت برنامه‌ریزی‌های مرتبط با سیاست جمعیتی در کشور گوشزد نمود:

◆ کشور ایران از اواسط دهه هشتاد هجری شمسی وارد مرحله‌ای به نام پنجره جمعیتی شده و تا نیمه‌های دهه ۱۴۲۰ در این مرحله باقی خواهد ماند و بعد از آن وارد دوران سالخوردگی خواهد شد. بنابراین اگر ما بتوانیم از این فرصت طلایی استفاده کرده و از این خیل عظیم نیروی کار جوان و تحصیل کرده بدرستی بهره ببریم علاوه بر شکوفایی اقتصادی در این دوره، از دوران سالخوردگی جمعیت نیز به سلامت عبور خواهیم کرد.

◆ دو نکته مفقوده در بحث‌های سالخوردگی ساختار سنی کشور وجود دارد؛ یکی عدم توجه به خود تعداد سالمندان و دیگری وضعیت کنونی افرادی است که در آینده قرار است اوج سالخوردگی کشور را تشکیل بدهند، در واقع به نوعی سیاست‌های کشوری تنها به تعریف سالخوردگی توجه کرده و با توجه به آن در پی افزایش باروری در جهت کاهش نسبت سالمندان از کل جمعیت می‌باشند. این موضوع باعث شده است که به نوعی خود جمعیت سالمندان دچار غفلت واقع شوند. با هر شرایطی که بخواهیم برای باروری ایران در آینده متصور شویم؛ کشور ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور از جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر ۱۰ میلیون و بیشتر برخوردار خواهد بود. تعداد افراد سالمند کشور (۶۵ ساله و بالاتر) در سال ۱۴۰۰ به حدود ۵/۵ میلیون رسیده و در سال ۱۴۱۵ به ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید. این تعداد در سال ۱۴۲۰ به بیش از ۱۳ میلیون نفر می‌رسد.

◆ در واقع نظام تأمین اجتماعی کشور ایران باید منتظر تأمین اجتماعی و مراقبت بهداشتی از یک جمعیت بالغ بر ۳ برابر چیزی که در حال حاضر وجود دارد باشد. تغییر یا عدم تغییر در باروری هیچ تأثیری بر این موضوع نداشته و سیاست‌های ما باید توجه خود را به خود این جمعیت جلب کنند و نیازهای آن‌ها را بشناسند تا توان برنامه‌ریزی و تشکیل زیرساخت‌ها برای اداره کردن آن‌ها را داشته باشند.

◆ اوج جمعیتی که ترس سیاستمداران را به سالخوردگی وا داشته است، در حال حاضر در سنین جوانی خود قرار دارند و یک جوانی شدید را برای کشور به وجود آورده‌اند.

◆ راز حرکت به سمت یک سالخوردگی موفق در عبور از جوانی موفق و استفاده از توانایی‌های دوران جوانی به‌عنوان ذخیره‌ای برای دوران کهن‌سالی سالمندی است. جوانان سالمند فردای ایران، خوشبختانه امروزه از سطح سواد بالایی برخوردارند. با برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از استعدادهای این جوانان، سالمندی آنان نیز بهینه خواهد شد. داشتن سبک زندگی سالم در دوران جوانی نیز می‌تواند امید به سالمندی سالم و شاداب را به همراه داشته باشد.

◆ در حال حاضر کشور از نقطه نظر تعداد، میزان رشد و ساختار سنی در وضع خوب و مطلوبی قرار دارد. باروری در کشور متعادل شده و اهداف سیاست جمعیتی تأمین شده است. سیاست اصلی کشور در این سال‌ها باید در جهت بهره‌مندی از فرصت پنجره جمعیتی و فراهم‌سازی بسترهای اقتصادی و اجتماعی برای مواجه‌شدن با جمعیت رو به افزایش سالمند باشد.

◆ برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی برای اشتغال، ازدواج و مسکن خیل عظیم افراد واقع در گروه سنی ۲۴-۲۰ تا ۳۹-۳۵ ساله، که حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

◆ سالخوردگی جمعیت حاصل توسعه در بهداشت و حاصل جمع نقاط قوت توسعه به حساب می‌آید که با این حال هزینه‌هایی را برای اقتصاد جوامع به همراه خواهد داشت.

◆ سالخوردگی جمعیت همانند جوانی جمعیت یک اصطلاح تخصصی است که با سالخوردگی فردی متفاوت است. پس از طی مراحل انتقال جمعیتی، انتقال به مرحله سالخوردگی جمعیت اجتناب‌ناپذیر است و به جرات می‌توان گفت در نیمه دوم قرن بیست و یکم میلادی تمام کشورها ساختار سنی سالخوردگی خواهند داشت. لذا تنها راه مقابله با سالمندی آماده شدن برای آن است.

◆ باید توجه نمود که جمعیت سالخوردده نسبت جمعیت فعال لااقل ده رقم بیشتر از جمعیت جوان است. لذا خیلی نباید نگران سالمندی بود و با بالا بردن بهره نیروی کار می‌توان از دوران سالمندی نیز بهره‌مند بود.

◆ جوانان امروز سالمندان آینده هستند، شرط سالمندی فعال داشتن جوانان فعال و سالم در زمان حال است. پرورش سبک زندگی سالم در جوانی، داشتن زندگی سالم و تأمین اشتغال جوانان در جهت تأمین اجتماعی آنان در دوران سالمندی از شروط داشتن سالمندی فعال در آینده است.

◆ نیاز به مسکن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای اساسی، در آینده فروکش نخواهد کرد و به صورت مستمر نیاز است هر سال در جهت ساخت مسکن در کشور اقدام شود.

◆ نباید از تغییرات اقتصادی و اجتماعی در تحلیل آینده سالمندی غافل بود. سالمندان آینده کاملاً از سالمندان کنونی متفاوت خواهند بود. در سال‌های آینده که تعداد و نسبت بالاتر جمعیت سالمندان به شکل ساختار سنی سالخوردده پدیدار می‌شود، سالمندان از نرخ‌های باسودی بالاتر و احتمالاً از حمایت‌های رسمی و تأمین اجتماعی بیشتری نسبت به سالمندان کنونی بهره‌مند خواهند بود؛ اگرچه کاهش باروری تعداد فرزندان والدین را کاهش خواهد داد و مهاجرت ممکن است آن‌ها را از دسترس والدین سالمند دور کند. در واقع از نگاه جمعیت‌شناسی اگر کاهش باروری کیفیت زندگی سالمندان را تهدید کند از طریق کوچک شدن شبکه‌های خویشاوندی بر رفاه و به‌زیستی آن‌ها اثر خواهد گذاشت.

◆ با وجودی که انتظار می‌رود توسعه اثرات مطلوب و مثبتی بر زندگی سالمندان داشته باشد، اما خصوصاً در جوامع در حال‌گذاری مثل ایران لازم است آمادگی مواجهه با سالخوردگی جمعیت افزایش یابد. افزایش سال‌های دوره سالمندی نتیجه اجتناب‌ناپذیر افزایش امید زندگی است. با توجه به رابطه مثبت و مستقیم بین تعداد و پیچیدگی مشکلات سالمندان و سن، افزایش طول دوره سالمندی در کنار سالخوردگی جمعیت، جامعه را

این راستا نیاز است که از همین الان شروع نموده و جوانان امروز که سالمندان فردا هستند را با سبک زندگی سلامت محور و پیشگیرانه آشنا نموده و با آموزش رفتارهای اجتماعی، آن‌ها را به صورت فعال و سالم به دوران سالمندی هدایت کنیم،

♦ باتوجه به یافته‌ها و نتایج مطالعاتی که در کشورهای دیگر انجام شده است، می‌توان نتیجه گرفت که مرگ ناشی از سرطان قابل کنترل و پیشگیری است. پژوهش حاضر نیز پیشنهاد می‌کند که برای کاهش شیوع و میزان مرگ‌ومیر ناشی از بیماری سرطان‌ها و تومورها باید تشخیص‌های زود هنگام برای جلوگیری از شیوع و افزایش این بیماری صورت بگیرد و همچنین برای تشخیص دقیق و مؤثر، از آزمایش‌های جدید و کارا استفاده شود و علاوه بر این، برنامه‌های منظم و پایدار برای تغییر سبک زندگی، رفتار اجتماعی، عدم تحرک، کنترل از مصرف سیگار و رژیم غذایی و هر نوع رفتار و عمل که سبب ابتلا، شیوع و مرگ ناشی از سرطان‌ها می‌شود برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی شود. مرگ ناشی از سرطان در سنین ۳۵ به بعد هم برای مردان و هم برای زنان افزایشی بوده است و نیازمند توجه به سرطان‌های رخ داده در این سنین است. گذار اپیدمیولوژیک همراه با بیماری‌هایی است که به‌صورت مزمن و توان‌کاه بوده و ماهیت درمانی ندارند. پیشگیری از این نوع بیماری‌ها تنها راه مقابله با آن‌هاست. سرطان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بیماری‌های عامل مرگ در پس از گذار اپیدمیولوژیک از این نوع بیماری‌ها است. تغییر در وضعیت سلامت و به وجود آمدن این نوع بیماری‌ها نشان از این است که در دوره جدید در برنامه‌های سلامت در کنار اهمیت نقش درمان باید به نقش پیشگیری و آن‌هم از طریق تغییر سبک زندگی تأکید نمود. بنابراین نیاز است که در برنامه‌های سلامت توجه خاصی به برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی برای تغییر در سبک زندگی و شیوع رفتارهای سلامت محور در افراد اقدام نمود. ♦♦

برخلاف کودکان که تا حدودی شرایط مشابه داشتند، علت‌های متفاوتی از مرگ را تجربه می‌کنند. نیاز است سیاست‌های بهداشتی در این زمینه نه به‌طور یک دست و بلکه متناسب با گروه‌های هدف اجرایی شود.

♦ نظام سلامت در ایران باید این پتانسیل را داشته باشد که در طی سال‌های آینده به‌کلی دگرگون شده و اهداف سیاستی خود را در راستای نیازهای جمعیت سالمند دگرگون سازد. بیماری‌ها و مرگ‌های نوظهور در این دوره دارای ویژگی خاصی می‌باشند. گروه بزرگی از مرگ‌های این دوره حاصل بیماری‌های درمان‌ناپذیر و گروه دیگری از مرگ‌ها به‌کلی ماهیت بیماری، در مفهوم پزشکی را ندارند. سرطان‌ها، بیماری قلب و عروق و بسیاری از بیماری‌های مزمن دیگر را صرفاً با پیشگیری می‌توان درمان کرد. تصادفات، خودکشی و قتل را نیز صرفاً با سیاست‌های اجتماعی می‌توان پیشگیری نمود. بنابراین نظام سلامت در ایران و از جمله در کل جهان باید به سمتی حرکت کند که از تأکیدات درمانی و پزشکی کاسته شده و بر برنامه‌های پیشگیرانه و اجتماعی بیفزاید. سلامت در آینده بیش از آنکه پزشکی و درمان‌گرا باشد، باید اجتماعی پیشگیرانه باشد. در

پنجره جمعیتی صرفاً یک پتانسیل و فرصت بالقوه است و بالفعل شدن آن نیازمند فراهم شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ایران کنونی در یک فرصت زمانی طلایی و استثنایی برای رشد و توسعه اقتصادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌طور اتوماتیک عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن نیازمند بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره‌ای که پنجره جمعیتی باز است حساس، لازم و در صورت موفقیت، مؤثر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نقش مهمی در مدیریت و مهندسی اقتصادی و اجتماعی پنجره جمعیتی ایفاء می‌کند.

با مسائلی همچون ناتوانی و سلامت جسمانی ضعیف‌تر، فراوان‌تر شدن بیماری‌های مزمن سالمندی و بنابراین نیاز بیشتر به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی مواجه خواهد کرد و این شرایط بار اجتماعی- اقتصادی سالخوردگی را افزایش خواهد داد.

♦ گذار ساختار سنی و سالخوردگی جمعیت تأثیر عمیقی بر شرایط اقتصادی اجتماعی، سیاسی، بهداشتی و درمانی و غیره خواهد گذاشت. شدت این تأثیر بستگی به سرعت زخداد پدیده (سالخوردگی جمعیت) دارد. وقتی نسبت سالمندان در جمعیت در یک دوره زمانی کوتاه به‌طور چشم‌گیری افزایش بیابد، نهادهای اقتصادی و اجتماعی به‌سختی می‌توانند خود را با ساختار جدید انطباق دهند. نتایج گزارش حاضر نشان از سرعت شدید جریان سالمندی در کشور دارد. افزایش نسبت افراد سالمند، ناگزیر اهمیت نسبی بخش‌های دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد و لذا نیاز به فرمول‌بندی و اجرای سیاست‌های جدید را ضرورت می‌بخشد. تلاش در راستای شناخت تحولات ساختار سنی و پیش‌بینی روندهای آینده آن، نقش مهمی در موفقیت این برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خواهد داشت.

♦ سالخوردگی جمعیت کشور به سمت زنان شدن است و زنان کشور در مقابل مشکلات اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر، اجتماعی هستند. توانمندسازی زنان از ضروریات سالمندی فعال و موفق است.

♦ در نتیجه‌گیری از یافته‌های بخش سلامت کشور باید اشاره داشت که در شرایط گذار اپیدمیولوژیک وضعیت سلامت در جوامع به‌کلی دگرگون می‌شود. در این شرایط هم باید در مطالعات از شاخص‌های جدید بهره گرفت و هم باید سیاست‌های سلامت را تغییر داد. اگرچه تاکنون تلاش اصلی سیاست‌های سلامت بر روی کودکان متمرکز بوده است، باید به‌سرعت در جهتی پیش رفت که نیازهای سلامت سالمندان مورد توجه و هدف اصلی سیاست‌های بهداشتی باشد. لازم به ذکر است که گروه‌های سنی و جنسی سالمندان،